

یک کتاب خوب

نوشته ایاز امیر- روزنامه جنگ

(۲۰ / ۱۰ / ۱۳۹۳)

ویژگی یک کتاب خوب در وهله نخست این است که آیا آن کتاب ارزش مطالعه را دارد یا خیر؟ به نظرمی رسد که کتاب "ورشکستگی قدرت" نوشته عابده حسین در بوته آزمایش سرخ رو بوده است، وی در این کتاب زندگینامه خویش و مسایل سیاسی را مورد بررسی قرار داده است. شما کتاب را مطالعه کنید، ذکر بعضی از عموها و خاله ها را باید تحمل کنید، ولی کتاب آنقدر جالب است که شما آن را در یک نشست مطالعه خواهید کرد. عابده حسین زبان سحر آمیزی دارد و در آداب گفتگو بی نظیر است، اودوست ندارد تریبون را به کسی دیگر واگذار کند، اما در این زندگینامه زیرکی و روش بیان شیرینی را به کار برده است. اگرچه گفتن این حرف ناخرسند کننده است، اما جلوه هایی از فرزندان خانواده های ثروتمند، ارباب زادگان دارای زمین های وراثتی که به پرورش اسب مبادرت می ورزند، دردانه فرزندان که در مدارس شیک و مدرن درس می خوانند و جلوه هایی از این قبیل جای خودش را دارد، اما دوره جوانی نامبرده سمبلی از متانت و سادگی را به نمایش می گذارد و با زندگی اشراف زاده های منحرف سنخیتی ندارد.

نمود ظاهری (عابده حسین) سرشار از احساسات و هیجان می باشد ولی برخوردها و روش های اونمایانگر فکری مصمم و قلبی مطمئن می باشند و این ایده را می توان در راههایی که او در عرصه سیاسی اتخاذ کرده است مشاهده نمود. او فعالیت های سیاسی خود را از شورای شهرستان جهنگ آغاز کرد و سپس زندگی سیاسی پر جنجال و پر از فراز و فرودی را گذراند که ایفای نقش قدرتمند سمت ریاست مجلس ملی توسط همسرش سید فخر امام را نیز در بردارد. فخر امام علیرغم میل شخصی ژنرال ضیاء الحق به این سمت انتخاب شده بود، چنانچه وی به عنوان رئیس مجلس ملی نقش مؤثری ایفا کرد که موجب نگرانی نخست وزیر منتخب وقت محمد خان جونجو گردید و از سویی دیگر آقای جونجو موجبات نگرانی ژنرال ضیاء الحق را فراهم کرد، البته این خودش قصه جداگانه ای دارد. علی ای حال باید بین نهادهای نظامی و فرمانروایان مدنی تعادل قدرت به وجود آید. مطلب جالبی در باره عابده حسین دیده می شود، وی به عنوان رئیس شورای شهرستان جهنگ، عضو هیئتی بود که جهت شرکت در اجلاس سالانه مجمع عمومی سازمان ملل عازم (نیویورک) شد. او می نویسد: ایده اعزام من به سازمان ملل در مخیله ام صاعقه ایجاد کرد. لازم به ذکر است که او نمی خواست با ژنرال سوار خان استاندار (پنجاب) این مسئله را مطرح کند، بلکه با آغا شاهی وزیر خارجه دولت ضیاء الحق تماس گرفت و به او گفت: من با استاندار پنجاب صحبت نمی کنم، بلکه به عنوان دوست اگر بخواهید خودتان صحبت کنید، من نمی خواهم منت مسئولین نظامی را بپذیرم. هنگامی که بی نظیر بوتوبه سمت نخست وزیر انتخاب شد احزاب مخالف علیه او ائتلاف تشکیل دادند، سر وزیر بلوچستان نواب اکبر بگتی همه آنها را به کوئته فراخواند، هنوز گفتگو آغاز نشده بود که نواز شریف گفت که او می خواهد یک تلفن ضروری بزند، وقتی او در برگشتن کمی دیر کرد، حوصله سایر سیاستمداران سر رفت و از عابده حسین خواستند برود و او را به اجلاس برگرداند.

عابده حسین می نویسد: منشی شخصی بگتی بازرگان! دم در ایستاده بود، وی با بی مهری از من استقبال کرد و گفت: نواز شریف پای تلفن در حال آواز خواندن است.

انتخاب عابده حسین به عنوان سفیر پاکستان در واشنگتن برای او فرصتی جهت آموزش اسرار دیپلماتیک بود، در آن زمان جهاد افغانستان به پایان رسیده و قرارداد ژنو امضا شده بود و آمریکاییها پاکستان را تحت فشار قرار می دادند که برنامه هسته ای خود را لغو کند. از سویی طبق متمم پریسکلر کلیه کمکهای پاکستان قطع گردید، "رژنالد بارتولومئو" معاون امور سیاسی آمریکا به اسلام آباد سفر نمود، عابده حسین نیز آنجا حضور پیدا کرد. هنگامی که بارتولومئو یک پیام سختی به رئیس جمهور غلام اسحاق خان می دهد، وی نامه ای به این مسئول آمریکایی نشان می دهد که به نام رئیس جمهور آمریکا نوشته است. عابده حسین می نویسد: "بارتولومئو نامه را روی میز پرت می کند و می گوید: شما پاکستانیها نمی خواهید بفهمید که آمریکا چه می خواهد و این برای شما خوب نخواهد بود، سپس وی فوراً اطاق را ترک می کند." هدف از قطع کمکهای آمریکایی این بود که ما هواپیماهای اف - ۱۶ را به دست نخواهیم آورد، در حالی که ما مبلغ ۵۰۰ میلیون دلار را پرداخته بودیم و وقت آن رسیده بود که قسط دیگر ۲۰۰ میلیون دلاری را نیز به آنها بپردازیم و اگر ما این مبلغ را نمی پرداختیم می بایستی ۱۵۰ میلیون دلار جریمه بدهیم. این درحالی است که در قرار داد شروطی قید نشده بود که اگر طبق متمم پریسکلر آن هواپیماها در اختیار پاکستان قرار نمی گرفتند، طرف دیگر نیز باید جریمه بپردازد، بدین ترتیب این یک قرارداد یک جانبه بود. عابده حسین به پینتاگون می رود و با تشریفات کامل از وی استقبال به عمل می آید، کارل فورد دستیار معاون وزیر (دفاع؟) از وی استقبال می کند. او یک کاغذ آرم دار جلو عابده می گذارد و می گوید: یک تسویه حساب مانده است، اگر ما مبلغ (خرید هواپیماها) را نپردازیم باید مبلغ ۱۵۰ میلیون دلار به عنوان "هزینه های اداری" جریمه بپردازیم، هدف از این (هزینه ها) چه بود؟ این مبلغی بود که پیش از این که پرداخت گردد کسر شده بود، چنین به نظر می رسید که این پول به جیب اشخاص میانی (واسطه ها) رفته بود، شاید واقعیت امر را مسئولین نیروی هوایی یا درجه داران نهادهای دفاعی می دانستند که آن افراد خوش بخت چه کسانی بودند که این پول هنگفت به جیب آنها رفت. هنگامی که ژنرال آصف نواز (فرمانده ارتش وقت پاکستان) از پینتاگون بازدید کرد، دک چنی وزیر دفاع می خواهد در تنهایی با وی صحبتی بکند. گفته شد اگر پاکستان در باره برنامه هسته ای خط قرمز را عبور کند آمریکا آماده است دولت نظامی را بپذیرد، اما آقای ژنرال از انجام چنین کاری امتناع ورزید، در عین حال گفت: اگر نواز شریف برکنار شود اشکالی ندارد. در نظر عابده حسین (تغییر نواز شریف) تاثیری نداشت، چون آمریکاییها به افراد مهمی نمی دادند، آنها فقط در پی اعمال خواسته خود بودند. مسئله دیگری که موجب نگرانی آمریکاییها شد این بود که پاکستان به اسامه بن لادن و سایر تروریستها پناه می داد. بزودی نواز شریف برکنار گشت و بی نظیر به قدرت رسید، وی به غلام اسحاق خاناطمینان داد که به عنوان رئیس جمهور او را خواهد پذیرفت، ولی حرف خود را فراموش کرد و عضو فادار حزب خود فاروق لغاری را به سمت ریاست جمهوری برگزید.

این کتاب حاوی قصه های گوناگونی از فرمانروایان نظامی و مجلس ملی است، البته اگر خوب ویراستاری می شد و نکات دستوری بیشتر رعایت می شد، می توانست بهتر از این باشد.